

# Examining the Role of Hira in the Political and Economic Challenges of the Sassanids and the Arabs (From the Reign of Bahram V to the Battle of Dhi Qar)

1. *Shahporreza Kazami*
2. *Leila Mohammadi\**
3. *Zarin Fakhar*

1. Ph.D Student, Department of History, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran
2. Assistant Professor, Department of History, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran
3. Assistant Professor, Archeology Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

Email: leilamohammadi1403@gmail.com | Received: 25.04.2023 | Acceptance: 30.06.2023

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history*

eISSN: 2980-9770  
<http://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 2, Pp: 326-345  
Summer 2023

**Original research article**

## How to Cite This Article:

Kazami, SH.R., Mohammadi, L., & Fakhar, Z. (2023). Examining the Role of Hira in the Political and Economic Challenges of the Sassanids and the Arabs (From the Reign of Bahram V to the Battle of Dhi Qar), *spsich*, 2(2): 326-345.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

One of the significant regions that the Sassanid kingdom and the Arabs disputed over was Hira. Hira was located in the border area between Sassanid Iran and Arabia, which held considerable economic and political importance for the Sassanids. Arab tribes sought to influence Hira to gain political power, even semi-independently, and to play a role in the relations between their neighboring countries, including the Roman Empire and the Sassanid government. Hira was considered a bridge connecting the civilized regions of that era, a city with multiple cultures that spanned from ancient Iraq to the Sassanid period. This study examines the status and position of Hira in the political and economic challenges between Iran and the Arabs (from the reign of Bahram V to the Battle of Dhi Qar). The primary question of this research is the extent of the impact of this city on the economic and political conditions of the Sassanids during this period. The findings of the research indicate that, from an economic perspective, Sassanid Iran endeavored to control Hira through military and political influence and dominance over trade routes. The ruling families of Hira played an active role through military and political support from the Sassanids in a

mutually beneficial arrangement. Their role was entirely in favor of the Sassanid government as long as the Arabs maintained their semi-independent rule in Hira. The absence of Hira's government created numerous problems for the Sassanids.

**Keywords:** Sassanids, Bahram V, Dhi Qar, Hira.

# بررسی نقش حیره در چالش‌های سیاسی و اقتصادی ساسانیان و اعراب (از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار)

شاهپور رضا کاظمی<sup>۱</sup>

لیلا محمدی\*<sup>۲</sup>

زرین فخار<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران پیش از اسلام، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول: leilamohammadi1403@gmail.com

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی  
تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰

<http://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۲ | صص ۳۴۵-۳۲۶

تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(کاظمی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

کاظمی، شاهپور رضا، محمدی، لیلا، و فخار، زرین. (۱۴۰۲). بررسی نقش حیره در چالش‌های سیاسی و اقتصادی ساسانیان و اعراب (از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۲): ۳۴۵-۳۲۶.

## چکیده

یکی از مناطق مهمی که پادشاهی ساسانی و اعراب در مورد آن مجادله داشتند حیره بود. حیره در منطقه مرزی بین ایران ساسانی و عربستان قرار داشت که هم اهمیت اقتصادی و هم سیاسی آن شایان توجه خاص ساسانیان بود. قبایل عرب خواهان نفوذ در حیره بودند تا با به دست آوردن قدرت سیاسی حتی به صورت نیمه مستقل و وابسته به ساسانی در مناسبات کشورهای مختلف همسایه خود امپراتوری روم و حکومت ساسانی به ایفای نقش پردازند. حیره پل ارتباطی مناطق متمدن آن روزگار محسوب می‌شد شهری با چندین فرهنگ که از عراق دوران باستان تا زمان ساسانی را شامل می‌شد. در این پژوهش جایگاه و موقعیت حیره در چالش‌های سیاسی، اقتصادی ایران و اعراب (از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار) بررسی شده است و میزان تأثیرگذاری این شهر در شرایط اقتصادی و سیاسی ساسانی در این دوران پرسش اصلی به حساب آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از بعد اقتصادی ایران

ساسانی تلاش می‌کرد از طریق نفوذ نظامی و سیاسی و تسلط بر راه‌ها و بازرگانی حیره را به دست آورد و خاندان‌های حکومتگر حیره از طریق حمایت نظامی و سیاسی از ساسانیان در معامله دو سر سود نقش فعالی ایفا کرده‌اند. و نقش آن‌ها تا زمانی که اعراب حکومت نیمه مستقل خود را در حیره داشته‌اند کاملاً به نفع حکومت ساسانی تمام شده است. فقدان حکومت حیره مشکلات بسیاری برای ساسانیان ایجاد کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** ساسانیان، بهرام پنجم، ذی قار، حیره.

## مقدمه و بیان مسئله

روابط سیاسی حکومت حیره و پادشاهی ساسانیان در کل در پیروی حاکمان عرب حیره از پادشاهی ساسانی مشهود است. لایه‌های مختلفی در این حکومت عربی مشهود است که از تابعیت کامل شروع می‌شود و به مرور با افزایش جایگاه حیره رابطه سیاسی رابطه‌ای تقریباً برابر تبدیل می‌شود و این برابری نسبی در ماجرای به حکومت رساندن بهرام پنجم (گور) در تیسفون مشخص تر می‌شود. با وجود این حفظ و تداوم قدرت حاکمان عرب در حیره فقط با حمایت پادشاهان ساسانی امکان پذیر بوده است. این تداوم قدرت اعراب در حیره در حدود ۴ قرن به طول انجامید. تداوم حکومت حیره در تمام دوران ساسانیان بیشتر به خاطر نگهداری مرزهای جنوب غربی ایران از تهاجم قبایل عرب بوده است (علی اکبر فیاض، ۱۳۵۰: ۳۴).

حیره شهری بوده که به صورت پل ارتباطی میان ایرانیان ساسانی و اعراب عربستان به حساب می‌آمد. این پل ارتباطی هم از بعد فرهنگی و هم سیاسی-اقتصادی نقش داشته است. با توجه به موضوع این پژوهش رابطه سیاسی حیره با ساسانیان از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار شکل جدی داشت همین سبب شد تا دو فرهنگ ایرانی و عربی در حین ارتباط از هم انفصال یابند (صفری، ۱۳۸۱: ۷۸).

حیره ایالت عربی دست نشانده دولت ساسانیان از قرن سوم میلادی همزمان با روی کار آمدن اردشیر یکم ساسانی و پسرش شاپور در منطقه عراق به وجود آمد. حاکمان حیره که در این دوره از خاندان آل لخم بودند، مشروعیت و حکم امارت خود را از شاهان ساسانی دریافت می‌داشتند (ابن سکویه، ۱۳۷۹: ۵۵). این حکومت تا اواخر دوران ساسانیان همچنان پابرجا بود تا اینکه خسرو پرویز با برکناری نعمان سوم آخرین حاکم لخمیان از امارت حیره، دیوار دفاعی ایران ساسانی در مقابل سیل قبایل عرب را از بین برد (ابوحنیفه دینوری، ۱۴۰۰: ۱۱۰)، و همین مسئله زمینه ساز حملات اعراب مسلمان به ایران را فراهم آورد.

حاکمان نیمه مستقل حیره علاوه بر اینکه از هجوم قبایل بدوی به درون مرزهای ایران جلوگیری می‌کردند. چون حاکم مناطق خوش آب و هوای عربستان بودند این مناطق از مسیرهای بازرگانی محسوب می‌شد و موقعیت ویژه‌ای در تجارت داشت برای حکومت ساسانی و حتی پیش از آن برای اشکانی دارای اهمیت ویژه‌ای بود (امیربان، ۱۳۹۴: ۶۵). همزمان بودن تاسیس حکومت‌های کوچک در حیره و سقوط آن‌ها با شروع و پایان پادشاهی ساسانی در حدود زمانی نزدیک به ۴۰۰ سال را نمی‌توان یک پدیده تصادفی به حساب آورد. در واقع ادامه حکومت در حیره در منافع قابل جستجوست که از اهداف سیاسی و اقتصادی حکومت ساسانی بود. ساسانیان از حمایت و دفاع از

حکومت عربی حیره به دنبال منافع خاص خود بودند و ادامه این حکومت‌ها را به نفع خود می‌دانستند. این اقدامات حتی موجبات ایجاد حکومت مشابه در غسان توسط امپراتوری روم رقیب اصلی ساسانی شد. (طبری، ۱۳۷۵، ۲/ ۶۱۰).

تاریخ حکومت حیره معمولاً در مبحث درگیری‌های سیاسی و نظامی ساسانی با امپراتوری روم بررسی می‌شود ولی واقعیت امر این است که مجموعه حکمرانان محلی حیره خود به دلیل وسعت جغرافیایی در قلمروشان، دارای روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای با همسایگان عرب و غیر عرب خود بودند (پیگو لوسکایا، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۶۲).

مقاله حاضر در در نظر دارد با رویکرد توصیفی تحلیلی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش که جایگاه حیره در چالش‌های سیاسی، اقتصادی ایران و اعراب (از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار) چه تأثیراتی داشته است و تأثیر حکومت حیره در شرایط اقتصادی و سیاسی ساسانی در این دوره تا چه حدود بوده است. برای بررسی پرسش فوق منابع مختلف دوران ساسانی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. منابع اصلی مورد توجه تاریخ طبری، تاریخ بلعمی، اخبار الطوال دینوری و دیگر منابع اصلی این دوران است. بیشتر پژوهش‌هایی که حکومت لخمیان در حیره را بررسی کرده‌اند به اشعار جاهلی درباره این خاندان حکومتگر پرداخته‌اند. در مورد موضوع خاص این پژوهش به صورت مشخص و جداگانه بررسی انجام نشده است ولی از جمله آثاری در آن‌ها توجهاتی محدود به نقش اقتصادی و سیاسی حیره در زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار در حکومت ساسانی داشته‌اند می‌توان به علی اکبر فیاض در تاریخ اسلام و کریستین در ایران در زمان ساسانی و کتاب تاریخ سیاسی اسلام حسن ابراهیم حسن اشاره کرد. این پژوهش بر آن است که علاوه بر ریشه‌شناسی روابط بین اعراب و ایرانیان در حیره، نقش فرمانروای حیره به عنوان نگهبان شاهزاده مورد تأکید قرار می‌گیرد. تا نقش مردم عرب در دولت ساسانی بررسی شود.

### موقعیت جغرافیایی و سیاسی حیره:

حیره شهری باستانی در بین‌النهرین بود که در جنوب کوفه فعلی در جنوب مرکزی عراق واقع شده است. حیره شهر مهمی در تاریخ عرب پیش از اسلام بود. حیره (قرن چهارم تا هفتم) به عنوان پایتخت لخمیان پادشاهی تحت فرمان عرب امپراتوری ساسانی، که در مهار اعراب کوچ نشین در جنوب به آن‌ها کمک می‌کرد، خدمت می‌کرد. فرمانروایان لخمی حیره توسط شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹)، امپراتور ساسانی به رسمیت شناخته شدند. حیره یکی از شهرهای قدیمی میان رودان است که در نزدیکی شش و نیم کیلومتری جنوب شهر نجف فعلی قرار داشت و توسط شاپور اول ساخته

شد و مهرزاد مرزبان حیره را مامور حصار تازیان کرد. حیره در کشور عراق در سه مایلی جنوب کوفه و در جنوب شرقی کربلا قرار داشت (حتی، ۱۳۶۶: ۱۰۱).

به طور کلی جغرافیای حیره در شمال شبه جزیره عربستان در میان صحرای شام و مرزهای غربی امپراتوری ساسانی قرار داشت که از جهت شمال و شرق با ساسانیان و از طرف جنوب غرب با اعراب همسایه بود، علاوه بر این در سمت شمال غربی حیره، امپراتوری روم واقع بود قبایلی از اعراب قحطانی در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم میلادی به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی به مناطق عراق و شام مهاجرت کردند (ابن سکویه، ۱۳۷۹: ۴۵). حیره به دلیل شرایط جغرافیایی مناسب و امکانات بالقوه اقتصادی مورد توجه مهاجران قرار گرفت. گروهی از مهاجران که قبایل و بطون بنی فهم و بنی لخم، بنی حیقار و بنی غطفان و بنی زهره و بنی صبح بودند. پس از فراز و نشیب‌هایی در حیره ساکن شدند. مهاجرت اعراب به حیره باعث شد این محل سبقه عربی پیدا کند و به روشنایی تاریخ قدم بگذارد (طبری، ۱۳۷۵: ۳۰).

آل فهم از میان مهاجران، به رهبری مالک بن فهم اولین امارت عربی در حیره را پایه گذاشتند. پس از مرگ مالک جزیمه بن الابرش جانشین وی شد. جزیره با کوشش فراوان حیره را به قدرتی مطرح در منطقه تبدیل کرد و مناطق بین حیره تا انبار رقه، عین التمر، ققطانه، هیت، غمیر را تحت سلطه درآورد و آشکارا بر قبایل شام اعمال نفوذ کرد. طبری روایت می‌کند به جزیمه خراج‌ها داده می‌شود گروه‌ها به دیدار او می‌رفتند (طبری، ۱۳۷۵/۳/۳۵). جزیمه عاقبت جان بر سر سلطه جویی‌هایش نهاد، بنا بر گزارش منابع اسلامی در اختلافاتی که با حکام جزیره بر سر تسلط بر آن منطقه داشت کشته شد. لخمیان از قرن سوم تا قرن هفتم میلادی مقتدرانه بر حیره حکومت کردند، هرچند هر از گاهی در حکومت ایشان وقفه‌هایی ایجاد می‌شد. آخرین امیر لخمی نعمان بن منذر چهارم (۵۸۵-۶۱۳م) سر از اطاعت دولت ساسانی برداشت. خسرو پرویز که نافرمانی نعمان را تحمل نمی‌کرد، دستور قتل او را صادر کرد و به حکومت لخمیان در حیره پایان داد. چند سال بعد در سال ۶۳۲م مسلمانان حیره را تصرف کردند و با تصرف مسلمان و ساخته شدن شهر جدیدی به نام کوفه در سال هفدهم هجری اهمیت و شکوه گذشته حیره به افول گرایید (براقی، ۱۹۸۷م، ۱۱۵).

### اهمیت راه‌های منتهی به حیره در اقتصاد و تجارت ایران و اعراب در دوره ساسانی:

راه‌ها در دوره ساسانی که قدرت فرمانروایی قابل اعتنایی داشت، بسیار مهم بودند و حیره که در میان‌رودان قرار داشت، از لحاظ ژئوپلیتیکی بسیار مهم می‌نمود. مردم «عرب» در قرن سوم در زمانی که امپراتوری اشکانی در حال فروپاشی بود راه را برای ظهور ساسانیان باز می‌کرد، شانس خود را یافتند تا در بین‌النهرین مستقر شوند و خود را مستقر کنند. قوم حیرین توسط شاپور دوم، دهمین

پادشاه ساسانی به رسمیت شناخته شد (کریستین سن، ۱۳۶۴: ۸۰). بنابراین آن‌ها در بین النهرین مرکزی به عنوان یک پادشاهی تابعه تحت فرمان ساسانیان و پایتخت خود در حیره که بر روی رود فرات تاسیس شده بود به مدت تقریباً سه قرن از حدود ۳۰۰ تا حدود ۶۰۲ میلادی حکومت کردند (مرادیان، ۱۳۵۵: ۸۰).

بنابراین در مورد راه‌های منتهی به حیره در گستره عراق در (جنوب کوفه) و جنوب شرقی کربلای فعلی قرار داشت. حیره از نظر جغرافیایی در شمال شبه جزیره عربستان و بین صحرای سوریه و مرزهای غرب امپراتوری ساسانی قرار داشت که از شمال و شرق با ساسانیان و از جنوب و غرب با اعراب همسایه بود علاوه بر این امپراتوری روم در سمت شمال غربی حیره قرار داشت. شرایط جغرافیایی مناسب و امکانات بالقوه اقتصادی، حیره را به یک منطقه اقتصادی تبدیل کرده بود. می‌توان گفت احتمالاً هیچ یک از سرزمین‌های عرب به اندازه حیره با ایران ساسانی ارتباط نداشتند. روابط سیاسی نظامی و اقتصادی گسترده‌ای بین دولت ساسانی و حیره وجود داشت و این روابط همه جانبه باعث شد که حیره به عنوان مرکزی برای ارتباط اقتصادی سیاسی بین دو ملت قرار گیرد.

### جایگاه و موقعیت حیره در چالش‌های سیاسی ایران و اعراب

بعد از اینکه ساسانیان با قدرت گرفتن اردشیر اول (۴۰-۲۲۴م) توانستند به طور رسمی در تیسفون قدرت یابند اردشیر هم مانند پادشاهان اشکانی درگیر جنگ و اختلافات مداوم با امپراتوری روم بود. با بررسی تاریخی ارتباط بین ایرانیان و اعراب در آغاز حکومت ساسانی به وسیله میشان شاه انجام می‌شد (محمدی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۱۳). شرایط نامناسب جغرافیایی عربستان اعراب بیابانگرد را مجبور می‌کرد تا برای فراهم کردن امکانات زندگی به سرزمین‌های توانمند در اطراف خویش یورش ببرند. امپراتوری ساسانی با وجود تلاش فراوان در مناطق مرزی نمی‌توانست به طور کامل یورش بیابانگرد عرب را منتفی سازد ولی آنچه مسلم است تلاش‌های فراوان نیروهای ساسانی در این نبردها بود که سبب ایجاد نوعی ترس در میان اعراب شده بود. به غیر از این تنش‌ها و حملات اعراب سفرهای تجاری هم به سرزمین‌های مجاور خود انجام می‌دادند، و همانگونه که در مطالب پیشین اشاره شد، اعراب در تجارت منطقه خلیج فارس نقش مهمی را ایفا می‌کردند. روایات متعددی از بعضی مسافرت‌های سران قبیله‌های عرب (قریش) برای تجارت و ملاقات با برخی بزرگان ایرانی به سرزمین‌های ساسانی باقی مانده است (کریستین سن، ۱۳۶۴: ۸۶).

بهرام پنجم پادشاه ساسانی است که در محیط عربی تربیت یافته است مطالب بسیاری در مورد او در منابع تاریخی، رشد و بالندگی او و حتی به تخت سلطنت رسیدنش هم با یاری اعراب حیره امکان‌پذیر شده است. با توجه به منابع به نظر می‌رسد در دوره یزدگرد اول رسمی وجود داشته



مبنی بر اینکه حکمرانان برای جذب حمایت و ایجاد اعتماد فرزندان خود را به دربار یکدیگر می‌فرستادند. بر طبق روایات شاهنامه یزدگرد سفیرانی به کشورهای مختلف فرستاد تا درباری مناسب برای پروراندن بهرام پیدا کند. بزرگانی از سرزمین‌های چین و روم و هند و عرب به دربار ایران آمدند و در مناظره‌ای آن و پادشاه ایران صورت گرفت و هر یک از بزرگان مهارت‌های علمی و عملی خود را برای پادشاه بیان کردند (فردوسی، ۱۳۷۰: ۴۸-۴۷۹). در نهایت یزدگرد عرب‌ها را برای پرورش بهرام شایسته دید و منذر بن نعمان، پادشاه عرب حیره را به پایتخت فراخواند تا بهرام را با خود به حیره ببرد و پرورش دهد. یزدگرد منذر را با احترام نزد خود فراخواند و هدایایی به او تقدیم کرد و حتی لقب و عنوانی برای او انتخاب کرد. «درام ابزود یزدگرد و مهشت» (شادی یزدگرد را افزود- بزرگترین) منذر شاهزاده را با خود به حیره برد (طبری، ۱۳۵۲/۲، ۶۱۳-۶۱۶). از همین مرحله به بعد حضور حکمرانان حیره در زندگی بهرام پنجم نقش چشمگیری یافت. با توجه به آنچه در منابع عربی آمده است امیر حیره، دو بانوی عرب و یک بانوی ایرانی برای بزرگ کردن بهرام و پنجم در نظر گرفت، طبری نوشته است که بهرام از منذر بن نعمان خواسته بود تا از ۵ سالگی به او اسب سواری و تیراندازی و دلیری بیاموزد و زمانی که منذر گفته بود که هنوز کودکی بهرام پاسخ داده بود که از نسل پادشاهان است و بر تخت خواهد نشست و یادگیری این علوم برای او ضروری است (ملعجی، ۱۳۸۱: ۴۲-۳۶-۶۴).

در مورد این ادعا که بهرام در کودکی به آموزش علوم پرداخته مطالبی مبالغه آمیز است. در مورد اشخاص مطرح و خاص در تاریخ چنین مبالغاتی فراوان است. بعد از فوت یزدگرد با توجه به آنچه از گفته‌های طبری برمی‌آید مجموعه‌ای از بزرگان و خاندان‌های بزرگ ایرانی با توجه به اینکه نسبت به یزدگرد دل خوشی نداشتند با هم پیمان بستند تا هیچ کدام از فرزندان یزدگرد پادشاه ایران نشود و آنان مانع حکومت آن‌ها شوند (طبری، ۱۳۵۲: ۶۱۷-۶۱۸).

با توجه به این اتحاد که طبری آن را اتحاد بین الخطما و اهل البیوتات و العامه نوشته است، مفهوم العامه به معنی مردم منطقی به نظر نمی‌رسد. احتمالاً این هم پیمان شدن بین بزرگان و موبدان بوده است. آن‌ها خسرو را که یکی از نوادگان اردشیر بابکان بود برای پادشاهی انتخاب کردند (فردوسی، ۱۳۷۴: ۵، ۱۵۸۴-۱۵۸۵). بهرام پنجم که در میان اعراب حیره بزرگ شده بود نمی‌خواست جانشینی پدر را از دست بدهد. بسیاری از خصائل پسندیده آنان را به خوبی فرا گرفت و در سن بلوغ اسب سواری، تیراندازی، و استفاده از اسلحه را به طور کامل یاد گرفت. تا حدی که توانمندی او تبدیل به ضرب المثل گردید. (کریستین سن، ۱۳۷۷، ۲۱۹). رشد و بزرگ شدن بهرام نزد اعراب تأثیر مثبتی در نگرش اعراب نسبت به شاهزاده ایرانی داشت. آن‌ها مدت‌ها او را ستایش

می‌کردند و آنگونه که در منابع آمده است قصرهای خورنق و سدیر را به افتخار او ساختند (تعالی، ۱۳۸۴: ۲۵۸).

بعد از اینکه بهرام به رشد کامل رسید از منذر خواست تا به سوی پدرش رفته و او را ببیند بنابراین آنچه در روایات آمده است بهرام در این زمان ۱۴ ساله بود. (طبری، ۱۳۵۲: ۶۰۱۳-۶۱۵ و ۶۴۴). یزدگرد بعد از دیدار پسرش اشتیاقی به او نشان نداد. آنگونه که در برخی منابع آمده است او به طور کلی به پسران خود توجه نشان نمی‌داد (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۲۲). او را به عنوان یکی از قراولان خواسته خود انتخاب می‌کند که احتمالاً موجب نارضایتی بهرام می‌شود و او نامه‌ای در این مورد به منذر می‌نگارد و اعتراض می‌کند. منذر برای او هدیه‌ای فرستاده و از او می‌خواهد که از پدر اطاعت کند. آزدگی بهرام از این وضعیت در نهایت سبب شد تا به دنبال راهی برای خلاصی از اوضاع موجود باشد. او تمایل داشت به حیره بازگردد. با توجه به اینکه در آن زمان افراد اطراف پادشاه برای آگاه کردن شخص شاه از اوضاع خود از نفوذ دیگران استفاده می‌کردند. بهرام به نزد ثئودوزیوس یکی از برادران قیصر دوم که در نزد یزدگرد برای درخواست پیمان صلح حضور داشت رفت و از او خواست تا واسطه شود که بهرام مجدد به نزد منذر بازگردد و با وساطت سفیر رومیان با توجه به آنچه در منابع آمده بهرام مجدد به نزد منذر بازگشت و به خوشی پرداخت (فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۵۷۹-۱۵۸۰).

برخی منابع نوشتن چون بهرام شاهزاده گستاخ بود به تبعید رفته بود (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۲۶۵). و با بررسی اوضاع اجتماعی آن دوره این اخبار واقعی به نظر نمی‌رسد. با توجه به اینکه در میان ساسانیان رسم بر این بود که شاهزادگان باید تمام فنون و علوم زمان خود را فرا می‌گرفتند حتی مهارت‌های دادگری، بخشندگی، وفاداری به پیمان‌ها و غیره. گاه برای یادگیری این رسوم از روش نهاد دایگانی استفاده می‌شد. تعدادی از شاهزادگان سامانی نزد دایه/ دایگان بزرگ شده بودند. در منابع ادبی گرجی و ارمنی‌ها که ارتباط نزدیکی با اشکانیان و ساسانیان داشتند، اشاره‌های فراوانی به نهاد دایگانی وجود دارد، در این روش شاهزاده را نزد یکی از پادشاهان دست نشانده می‌فرستادند و آن پادشاه که شاهزاده را پرورش می‌داد در آینده پشتیبانی از شاهزاده‌ای را که پرورش داده وظیفه خود می‌دانست (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۲۶۶).

گزارش‌های گوناگونی در تاریخ ساسانی وجود دارد که پرورش شاهزادگان خاندان سلطنتی را در حدود ۵ قرن از طریق نهاد دایگانی انجام داده‌اند فردوسی معتقد است که یزدگرد از تولد بهرام بسیار خوشحال شده بود و حتی برای او طالع بینان ایرانی و هندی آورد او همچنین معتقد است که فرستادن بهرام به سرزمین حیره با نفوذ موبدان و بزرگان ایرانی بوده است از ترس اینکه او

خصوصیات پدر را فرا بگیرد چراکه یزدگرد به موبدان زرتشتی توجه نمی‌کرد و حتی از آن‌ها مالیات می‌گرفت، بنابراین تلاش کردند بهرام دور از پدر پرورش یابد (فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۵۷۹-۱۵۸۰). در تحلیل نوشته‌های برخی محققان و منابعی که حضور بهرام در حیره را تبعید وی دانستند و حتی برخی معتقد بودند او در کودکی به حیره نرفت بلکه بعدها به حیره تبعید شد (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۳۷۳). یا حتی در نولدکه که در فشار بودن بهرام را دلیل اصرار او به بازگشت به حیره دانسته است (نولدکه، ۱۳۷۸، ۱۲۲) چنین به نظر می‌رسد که بهرام به تبعید یا به خاطر شرایط دشوار به ... منذر نرفته بود بلکه وجود چنین مطالبی بیشتر به داستان سرایی شباهت دارد که از نمونه اقدامات بزرگان و موبدان برای سیاه‌نمایی رفتار یزدگرد باشد. در این زمینه می‌توان به نوشته‌های گردیزی هم اشاره کرد چنین آورده است. یزدگرد آگاه از بدخویی خویش ترسید که مبادا بهرام را همچون دیگر فرزندان تباه گرداند. از این رو بهرام را به نعمان بن منذر سپرد تا در حیره پرورش یابد (گردیزی، ۱۳۴۷: ۲۶). در نتیجه‌گیری نهایی برای حضور بهرام در حیره می‌توان به دیدگاه شهبازی محقق معاصر هم اشاره کرد. او معتقد است یزدگرد نگران بدخواهی بزرگان نسبت به خودش و جان بهرام را به نوعی در خطر می‌دید و برای محافظت او و نگهداری و دایگانی او را به منذر سپرد (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۳۲).

با این توصیفات به عمل آمده شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که بهرام به نوعی عامل ترس یزدگرد و یا شاید تهدیدی برای قدرت او محسوب می‌شد. در نهایت چه برای محافظت از جان بهرام و چه برای محافظت از حکومت خودش، هرچه بود بهرام پنجم دوران رشد خود را نزد اعراب حیره گذراند و این مسئله در جریان قدرتمندی و به سلطنت رسیدن او و حتی روال حکومت او تأثیر فراوان داشت. همان گونه که در سطور پیشین اشاره شد، بهرام به هیچ وجه نمی‌خواست جانشینی پدر را از دست بدهد. بنابراین آورده نبرد با متحدان شد. جنگاوران عرب به پشتیبانی از شاهزاده ایرانی در نزدیکی تیسفون به تاخت و تاز پرداختند (طبری، ۱۳۵۲: ۶۱۸).

در مورد اقدامات بهرام پنجم برای به دست گرفتن قدرت در نوشته‌های گردیزی چنین آمده است: منذر برای بزرگان ایرانی پیامی فرستاد مبنی بر اینکه «اگر این کار را به تدبیر کردند، از کدخدایان ایران یکی منم و این پادشاه به اتفاق من باید نشد و سپر یزدگرد با من است، و او سزاوارتر است به پادشاهی از بیگانه» و ایرانیان پاسخ دادند که «او پسر یزدگردالاثیم است و همچنین پدر است، ما او را نپسندیم» (گردیزی، ۱۳۴۷: ۲۷).

اقدامات یزدگرد در دوران حکومتش موجبات ناراحتی بزرگان ایرانی را از جهات مختلف فراهم آورده بود احتمالاً اگر حمایت منذر هم نبود بهرام نمی‌توانست به تخت سلطنت دست یابد. بعد از تاجگذاری بهرام پنجم بزرگان روسای خاندان‌های بزرگ و حکمرانان و وزیران به علت اینکه در ابتدای امر با

به قدرت رسیدن بهرام مخالفت کرده بودند، زمینه‌های قدرت‌نمایی نظامی بهرام با کمک حکمران حیره را فراهم کرده بودند، ترس از شرایط جدید داشتند. بنابراین به نزد منذر برخی از محققان معاصر معتقدند که نعمان بن منذر بهرام را یاری رسانده است (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۲۷۱)، رفتند و از او خواستند با پادشاه صحبت کند و وساطت آن‌ها را نماید تا خشم بهرام پنجم شامل آن‌ها نشود، چرا که این گروه همانگونه که اشاره شد با هماهنگی اتحاد و مشورت خود، قدرت را به خسرو داده بودند. نولدکه در این مورد نوشته است که منذر با بهرام درباره خواسته ایشان سخن گفته و از او خواهش کرده کدورت را نسبت به آن‌ها از دل بیرون کند «بهرام پایمردی او را پذیرفت و بر امید ایشان بیفزود» (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

در مورد طوایف عربی که بهرام را یاری کردند، چون به قدرت رسید، قدردانی خود را در مقابل دیدگان همه اعلام داشت. بهرام پنجم هدیه‌های فراوانی به سپاهیان حیره داد و لقب پادشاهی همه سرزمین عرب را برای منذر (برخی منابع نعمان بن منذر) در نظر گرفت، حتی گفته شده بعد از شکست هپتالیان تاج و جامعه و کمر بند خاقان را برای منذر فرستاده بود (یعقوبی، ۱۳۶۶: ۲۰۰).

### جایگاه و موقعیت حیره در چالش‌های اقتصادی ایران و اعراب

بعد از اینکه سرزمین ایران به صورت چهارچوب جغرافیایی دارای حکومت سیاسی شد. حکمرانان شروع به گسترش قلمرو تحت پوشش خود کردند. با حکومت‌های باستانی همسایه شدند، مبحث منافع اقتصادی برای آن‌ها اهمیت بیشتری یافت سکونت‌گاه‌های انسانی چه مناطقی دارای حکومت متمرکز بودند و چه آن‌هایی که به صورت پراکنده و قبیله‌ای زندگی می‌کردند. برای حفظ بقا نیاز به همکاری اقتصادی با دیگر مردمان داشتند. حکمرانان فلات ایران از این پدیده مستثنا نبودند. آنچه از نقش اعراب در تجارت ایرانیان قابل ردیابی در بستر تاریخ است حضور آن‌ها در تجارت دریایی ایرانیان به عنوان ملاح است. در دوران داریوش هخامنشی تجارت دریایی خلیج فارس از طریق دریای عمان و دریای عرب، هندو سواحل جنوبی ایران در یک حوزه وسیع تجارت دریایی انجام می‌شد. عملکرد داریوش بزرگ زمینه را برای آسان‌تر شدن روابط تجاری دریایی فراهم آورد، او حتی دستور داد، آبراهه حفر کنند. تا کشتی‌ها و دریانوردان از خلیج فارس بتوانند کالاها را به بنادر مدیترانه حمل نمایند همان آبراهی که بعدها کانال سوئز در آن حدود حفر شد. بنابراین نمی‌توان تأثیر بنادر عرب نشین و ملاحان عربی را در رونق تجارت دریایی ایران در زمان هخامنشیان نادیده گرفت (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۵).

بعد از اینکه هتره بارون متحد شد اردشیر بابکان به سمت حیره متمایل شد (ونیتز، ۱۳۸۶: ۱۵۱). حیره در آن زمان شهر کوچکی بود که در یک فرسخی جنوب کوفه امروزی قرار گرفته بود معنی

آن خیمه‌گاه نظامی است (آذر نوش، ۱۳۷۴: ۱۴۵). با توجه به آنچه که یعقوبی روایت کرده است لحنی‌ها که در واقع از اعراب منطقه یمن بودند، زمانی که سیلاب عظیم بسا اتفاق افتاد به مناطق گوناگون از جمله عراق امروزی مهاجرت کردند. به نظر می‌رسد مهاجرت آن‌ها در زمان اشکانیان اتفاق افتاده باشد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۴۹-۲۵۴). در آغاز کار ساسانیان گروهی از آن‌ها توانستند با حکومت ساسانیان روابط مناسبی را برقرار کنند. بنابراین به منطقه شام مهاجرت کرده به قبایل بنی قضاعه پیوستند (طبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۵۸۵-۵۸۶). در نوشته‌های حمزه اصفهانی مردم حیره به سه گروه تنوخی، بردگان و احلاف تقسیم می‌شدند (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۱۰۲-۱۰۰).

از بعد اقتصادی احتمالاً فرمانروایان حیره، حافظ منافع اقتصادی دولت ساسانی در شبه جزیره عرب محسوب می‌شدند لخمیان کاروان‌های تجاری ساسانیان را که از سمت شرق عربستان حرکت کرده به سمت حجاز و یمن می‌رفتند حمایت و محافظت می‌کردند. از آنجا که اعراب بادیه نشین به راهزنی به عنوان یک منبع درآمد نگاه می‌کردند محافظت از کاروان‌ها امری مهم محسوب می‌شد. در منابع تحقیقی در این مورد چنین آمده است: «قبایل عرب راهزنی و تجارت را به یک نسبت می‌نگرند کاروان‌ها را یا غارت یا قیمت مال التجاره را از تجار طلب می‌کردند. همسایگان از روزگار قدیم قربانی این روحیه غارتگری بودند». (گیبون، ۱۳۴۷: ۱۰۳). با توجه به اینکه ساسانیان امکان‌پذیر نبود از کاروان‌های تجاری خود که صدها کیلومتر دورتر از پایتخت در حال حرکت بودند محافظت کنند. بنابراین نقش حیره در به سلامت رساندن کاروان‌های تجاری ساسانی بسیار با اهمیت بود این در حالی است که منابع بارها به غارت‌های اعراب بیابانگرد اشاره کرده‌اند. طبری در مورد این غارت‌ها چنین نوشته است. اموال و هدایایی را که وهرز از یمن برای کسرا فرستاد که قبیله بنی یربوع غارت کردند (طبری، ۱۳۵۸: ۵۸۱). این روایت می‌تواند دلیل کاملی برای نقش مهم حیره در محافظت راه‌های تجاری باشد. یکی دیگر از ابعاد مهم تأثیرگذاری اقتصادی در میان حکومت‌ها تقلید از ساختار مالی یک قدرت از حکومت دیگر است، معمولاً این تأثیرپذیری از جانب حکومت‌های کوچکتر ضعیف‌تر از قدرت‌های متمدن‌تر است، با توجه به اینکه حیره همزمان با قدرت گیری ساسانیان و با حمایت آن‌ها در جهت اهدافی که به تفصیل درباره آن‌ها بحث شد قدرت بیشتری یافت بنابراین طبیعی است به نظر می‌رسد ساختار مالی حیره تقلیدی تا حدودی ناقص از سیستم گسترده مالی ساسانی باشد (مرادیان، ۱۳۵۵: ۱۰۴).

در حکومت ساسانی یکی از راه‌های درآمد دولت دریافت مالیات بود، در آن دوره با روش‌های مختلفی از مردم مناطق زیر نفوذ حکومت مالیات دریافت می‌شد. یکی از مناطق پردرآمد در حکومت ساسانی منطقه عراق فعلی محسوب می‌شد به خاطر وجود سد بندهای زیادی که روی رودخانه‌های دجله و فرات زده شده بود این ناحیه در آن زمان به عنوان یکی از مناطق حاصلخیز ایران به حساب

می‌آمد، پول ساسانیان دارای اعتبار بالایی بود گستردگی روابط اقتصادی ساسانی سبب شده بود تا سکه‌های ایشان از کرانه رود دجله تا کنار رود هند و از ناحیه بیابانی عربستان تا مرز چین پراکنده شده و مورد استفاده قرار بگیرد. به طور قاطع می‌توان نتیجه گرفت که پول ساسانی در زمان خود به عنوان یکی از رایج‌ترین پول‌های دنیا به حساب می‌آمد. شاهان ساسانی سکه‌هایی به زر و سیم و مفرغ نقره و طلا ضرب می‌کردند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۷).

با توجه به این مسئله که از یک طرف حیره گاه کمک‌هایی از ساسانیان دریافت می‌کرد از طرف دیگر کاروان‌های تجاری ایرانی و غیر ایرانی که با پول ساسانی تجارت می‌کردند در حیر حضور داشتند سکه‌های ساسانی در این شهر از اعتبار بالایی برای تجارت برخوردار بوده است یکی دیگر از مباحثی که در نقش ایرانیان عصر ساسانی در اقتصاد حیره می‌تواند قابل بررسی باشد حضور ایرانیان در شهر حیره بوده است. بیشتر ساکنان حیره را اعراب صحرانشین تشکیل می‌دادند در کل با توجه به آنچه در منابع آمده است مردم حیره به سه گروه تقسیم می‌شدند:

اول: تنوخ که ساکن غرب فرات بودند و در چادرهای پشمین زندگی می‌کردند. دوم: عباد که در خانه‌های مسکونی شهر حیره بودند. سوم: احلاف شامل افرادی که به مردم شهر حیره اضافه شده بودند. ایرانیان از این دسته محسوب می‌شدند و در حیره دارای مشاغل چون بازرگانی و صنعتگری بودند. از جانب دیگر ذکر این نکته هم ضروری است که بازرگانان حیره در قسمت‌های مختلف حکومت ساسانی در حال تجارت بودند البته این تجارت به صورت پراکنده انجام می‌شد (احمد العلی، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

یکی از مسائل مهمی که در امر تجارت نقش غیر مستقیم و گاه مستقیم داشت و دارد دسترسی آسان به مکان‌های مهم مثل شهرهای تجاری و سیاسی است. حکومت ساسانیان هم به این نکته توجه خاصی داشتند. بنابراین علاوه بر اینکه سیستم برید (چاپار) را در سراسر قلمرو خود به اجرا درآورده بودند از طریق آن به آسانی هم ارتباط پستی با ایالات برقرار می‌شد. هم اطلاعات جاسوسی در مورد فرمانداران به اطلاع پادشاه می‌رسید، آن‌ها این سیستم را در سایر مناطق و شهرهایی که به صورت غیر مستقیم زیر نفوذ آن‌ها بود هم پیاده‌سازی کرده بودند و یا شاید شهرهایی مانند حیره تمایل داشتند تا از سیستم ارتباطی ساسانی تقلید کنند. جاحظ دانشمند و نویسنده قرن سوم در مورد این سیستم ارتباطی چنین آورده است: تمام بادیه‌های عربستان آبادی‌های آن به وریدهای کسری آکنده بود. مگر شام که آن هم در زمان تسلط ایران بر روم دارای برید بود (آل کثیر، ۱۳۹۰: ۴۵). در مورد توصیف این مکان‌ها در این بادیه‌ها نفیسی چنین نوشته است: ساسانیان برید را با اسب حمل می‌کردند هم مراسلات و هم اشخاص را می‌بردند راه‌ها را بسیار خوب نگاه می‌داشتند

و در هر منزلی عده‌ای اشخاص و اسب‌هایی را که لازم بود آماده نگاه می‌داشتند در نواحی بیابانی و گرمسیری و در ایالات سرحدی اعراب با شتر رفت و آمد می‌کردند (نفیس، ۱۳۸۳: ۴۲).

### جنگ ذی قار پایان روابط ایران و حیره

از حوادث پر اهمیت دوران حکومت ایاس بن قبیصه ماجرای ذوقار (نبرد ذی قار) است. اهمیت این جنگ برای اعراب به اندازه‌ای بود که در اشعار اعراب تأثیرات آن کاملاً مشهود است (پیگلوسکایا، ۱۳۷۲، ۲۸۴). در منابع اسلامی این نبرد با عناوین مختلف آورده شده است: روز قراقو، روز حنو، (یعنی حنو ذوقار)، روز جبابات، روز ذی عجرم، روز بطحا از جمله این عناوین است (سالم، ۱۳۸۳، ۲۱۲).

یاقوت حموی منطقه‌ای را که نبرد ذوقار در آن شکل گرفت در نزدیکی کوفه نوشته است به نظر می‌رسد این منطقه در آن زمان به کبر بن وائل تعلق داشته است (یاقوت حموی، ۱۹۵۵، ۴/ ۲۹۳). معنی کلمه ذوقار را محلی که در آن قیر یافت می‌شود آورده‌اند و حتی معتقدند که در این منطقه آب فراوان جمع می‌شده حتی در فصل تابستان آب وجود داشته است. (نولدکه، ۱۳۵۸: ۴۹۲). در مورد حادثه نبرد ذی قار نویسندگان اسلامی روایات گوناگونی را نقل کرده‌اند. از بعد زمانی جنگ را چهار یا پنج ماه بعد از جنگ بدر نوشته‌اند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱/ ۴۰۶).

برخی دیگر آن را معاصر با بعثت پیامبر (ص) نوشته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۵/ ۲۰۱). ملعجی همزمان آن را بعد از هجرت پیامبر (ص) به مدینه نوشته است (ملعجی، ۱۳۷۸: ۲/ ۸۲۳) در این میان مقدسی بر خلاف سایر مورخان زمان وقوع این جنگ را در زمان پوراندخت نوشته است (مقدسی، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۲۱). در بررسی نوشته‌های مورخان آنچه که واقعی‌تر به نظر می‌رسد این است که جنگ زوقار قبل از ۶۱۱ م اتفاق افتاده است. بیشتر پژوهشگران زمان آن را بین ۶۰۴ و ۶۱۱ م در نظر گرفته‌اند (کولسنیکوف، ۲۵۳۵، ۱۹۳).

در نهایت می‌توان اینگونه نتیجه گرفت نبرد زوار باید ابتدای بعثت پیامبر بوده باشد. واقعیت امر در این ماجرا یادآوری این نکته است که مرگ نعمان و ساقط شدن خاندان او از قدرت حیره توسط خسرو پرویز برای ایران بدون پیامد منفی نبود. در این مقطع زمانی از میان قبایل اعراب تغلب هنوز به ایران وفادار و در خدمت ساسانیان بود ولی قبیله بنی بکر به طور مداوم مرزهای ایران و عراق را مورد حمله قرار می‌داد (پیگو لوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۸۲). این دشمنی از روابط دوستانه بنی بکر با لخمیان بود بعد از کنار گذاشتن آن‌ها توسط ساسانیان بنی بکر هم با دشمنی که با ایاس بن قبیصه داشت دست به این اقدامات می‌زد.

یکی از سیاست‌هایی که لخمیان در حیره همواره دنبال می‌کردند این بود که طوایف محلی را به اتحاد ساسانیان درآورند. و در قبال این عملکرد از جانب ساسانیان هدایایی مثل زمین یا طلا دریافت می‌کردند. بعد از آن میان رفتن لخمیان این نوع از اتحادها هم که در نهایت به نفع ساسانیان بود از بین رفت. بعد از فروپاشی قدرت نعمان با توجه به آنچه در روایات منابع آمده است، خسرو پرویز از ایاس خواست تا آنچه از ثروت و داشته‌های نعمان باقیمانده به او تقدیم شود و برای انجام این کار ایاس یک فردی را مسئول کرده و به حضور هانی بن مسعود برود و درخواست خسرو پرویز را مطرح کند، زیرا که امانت‌های نعمان در اختیار هانی بن مسعود بود. برخی منابع میزان این اموال را بسیار نوشته‌اند به عنوان مثال چهارصد زره و حتی برخی آن را هشتصد زره و غیره آورده‌اند. هانی از دادن امانت‌ها خودداری کرد و خسرو پرویز از این اقدام او خشم گرفت و تصمیم بر درگیری با هانی گرفت (طبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۷۵۷).

در مورد دلیل درگیری‌ها نمی‌توان تنها عامل را باز پس ندادن اموال نعمان توسط هانی دانست چرا که تاخت و تازهایی که توسط قبایل بکری و افرادی مانند حارث بن واثق از قبیله زحل و مقصر بن حنظل از قبیله عجل انجام می‌شد، زمینه‌های نگرانی را برای پادشاه ایران فراهم آورده بود. نتیجه این اخبار تصمیم پادشاه برای سرکوب قبایل بکر شد (کولسنیکف، ۲۵۳۵: ۱۸۸).

با توجه به آنچه طبری نوشته است خسرو به پیشنهاد نعمان بن زرعه که از دشمنان بکر بن وائل بود منتظر ماند تا در فصل گرما زمانی که آنان در منطقه آبخیز یا همان ذوقار گرد آمده‌اند نعمان بن زرعه را به عنوان نماینده نزد آنان فرستاد و پیشنهادات خسرو پرویز را برای آن‌ها مطرح کرد. اول اینکه تسلیم پادشاه ساسانی شوند و بپذیرند هرچه که خسرو پرویز برای آن‌ها تصمیم می‌گیرد. دوم اینکه از آن منطقه کوچ کنند. سوم اینکه آماده جنگ با خسرو پرویز باشند. آن‌ها چاره‌ای نداشتند جز اینکه جنگ کنند اگر تسلیم می‌شدند پادشاه ساسانی همه آن‌ها را می‌کشت و زنان و فرزندان آن‌ها را به اسیری می‌گرفت و اگر می‌رفتند از تشنگی می‌مردند و با بنی تمیم برخورد می‌کردند بنابراین آماده جنگ شدند. خسرو پرویز سپاهی را با فرماندهی هامرز شوشتری که در قسطنطنیه و جلابزین فرمانده پادگان ایران در بارق بود به همراه قیس بن مسعود که عامل خسرو پرویز در منطقه سفوان بود به نزد ایاس فرستاد (طبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۷۵۸-۷۵۹).

آنچه در نوشته‌های مسعودی آمده است نشان می‌دهد که طوایف عرب زیادی در سپاه ایران در این جنگ حضور داشتند. نمونه‌ای از این طوایف را چنین نام برده است: «طایفه تغلب به سالاری بشر بن سواد تغلبی با ریاست ایاس بن قبیصه طاش و ضبه و تمیم به سرداری عطار بن حاجب بن زراره و نمد به سرداری اوس بن خزرج و بحرا و تنوخ و دیگران بودند» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۲۱).



یکی از فرماندهان سپاه خسرو پرویز قیس بن مسعود بود او در واقع کارگزار ایران و مسئول امنیت قسمت جنوبی حاشیه شرقی صحرای عربستان و بندر ابله بود. در پادگان ایرانی به نام بهشت آباد حضور داشت به همراه یک پادگان دیگر مسئولیت نگهبانی بندر ابله را به عنوان مهم‌ترین بندر نظامی و تجاری ایران در دهانه خلیج فارس بر عهده داشت (محمد ملاری، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۸۸-۲۸۹). قیس بن مسعود کارگزار عرب خسرو پرویز بود و خسرو پرویز به او اعتماد داشت با این وجود قیس بن مسعود به سمت اعراب تمایل داشت حتی شب هنگام پیکی به نزد هانی فرستاد به او گفت که سلاح‌های دو را بین افراد قوم خودش توزیع کند اگر پیروز شدند سلاح‌ها را به هانی برگردانند و اگر شکست خوردند سلاح‌ها نابود شود در همین قسمت اولین عامل شکست ذوقار برای ایران رخنمایی می‌کند و آن خیانت قیس بن مسعود است در ادامه نبرد خیانت‌های بیشتر او در زمینه شکست را فراهم می‌سازد. در جریان تشنگی سپاه ایران آن‌ها مجبور شدند به سمت سیلگاه زوار بروند در همان جا بود که هامرز فرمانده بخش راست سپاه ایران کشته شد و به هم ریختگی در سپاه ایران شروع شد و این خود یکی دیگر از عواملی بود که زمینه را برای شکست ایران فراهم کرد. قیس بن مسعود دوباره دست به کار شد و با فرستادن سفیرانی در میان ایادیان در سپاه ایران از آنان خواست تا با بکریان همراهی کنند قرار شد به ظاهر در سپاه ایران بمانند و در روز درگیری به بنی بکر پیوندند. در نبرد اصلی جناح چپ قبیله بکر به سرداری حنتله به جناح راست ایران که سردار خود را از دست داده بود حمله ور شد و جناح راست بکر به فرماندهی یزید بن مسهر به جناح چپ ایران با فرماندهی جلابزین یورش آورد، در همین هنگام گروه یزید بن حمار که در انتظار بودند از پناهگاه بیرون آمده به قلب سپاه حمله کردند و ایادیان خیانت نموده آن‌ها را همراهی کردند آشفتگی شدیدی ایجاد شد و در نهایت ایران در این جنگ شکست خورد (طبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۷۶۰ تا ۷۶۳).

در مورد تعداد نیروهای ایرانی در این نبرد اغراق شده تعداد آن‌ها را منابع اسلامی گاه تا سی هزار نفر هم نوشتند (بلعمی، ۱۳۷۸: ۲/ ۸۱۹). در بررسی‌های انجام شده محققان روایت طبری را که سه هزار عرب دو هزار ایرانی می‌نویسد پذیرفته‌اند (کولسنیکوف، ۲۵۳۵: ۱۸۹). این پیروزی برای اعراب بسیار مهم و با ارزش بود بنابراین در بزرگ و پر تعداد نشان دادن سپاه ایرانیان غلو کردند. ولی آنچه مسلم است اعراب تابع ایران در میان سپاه ایرانیان بیشتر از خود ایرانیان بودند چه بسا اگر خیانت قیس بن مسعود در این جنگ وجود نداشت و سلاح‌های بن ب توصیه او در میان اعراب توزیع نمی‌شد هرگز جنگی هم شکل نمی‌گرفت. خسرو پرویز از شنیدن خبر این شکست رنجیده خاطر شد تصمیم داشت تا این وضعیت را اصلاح کند و اعراب صحراگرد را سرکوب نماید ولی درگیر مشکلات مرزهای غربی شاهنشاهی شد (کولسنیکوف، ۲۵۳۵: ۱۹۲).

بعد از این شکست ایران در عربستان شرقی و طول ساحل خلیج فارس از بعد نظامی ضعف بیشتری پیدا کرد ولی این به آن معنا نبود که ایران به طور کامل در میان اعراب نفوذ خود را از دست داده باشد. در داخل حجاز مخصوصاً میان بت پرستان ایرانیان طرفدار داشتند به نظر می‌رسد به طور طبیعی مسلمانان از رومیان مسیحی حمایت می‌کردند، البته این حمایت‌ها بیشتر جنبه روانی داشت تا بعد عملی و بت پرستان مکه هم از ساسانیان طرفداری می‌کردند و احتمالاً از پیروزی آن‌ها بر امپراتوری روم اظهار خوشحالی می‌نمودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

حیره یکی از شهرهای مهم مرزی بین عربستان و حکومت ساسانی به حساب می‌آمد. این شهر از لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت بالایی برای حکومت ساسانیان و اعراب شبه جزیره عربستان محسوب می‌شد. در مهاجرت اقوام عرب به این نواحی پادشاهان ساسانی نقش خاصی نداشتند حتی قطعاً می‌توان چنین نتیجه گرفت این مهاجرت بدون ایفای نقش سیاسی ساسانیان در روند تغییرات اجتماعی تاریخی در شبه جزیره انجام شد. ولی ساسانیان بعد از تشکیل حکومت از فواید این منطقه مسکونی که دارای ساختار سیاسی شد سود بردند. ساسانیان با انتصاب مرزبانان و حتی باقی گذاشتن قسمتی از نیروهای نظامی خود در حیره حکومت اعراب آن ناحیه را زیر نظر گرفتند. در بستر زمان با توجه به آنچه در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت، بیشترین نفع ساسانیان از حکومت حیره نظامی و سیاسی در برابر روم و اعراب بیابانگرد بود ولی آنچه به عنوان پرسش اصلی این پژوهش مطرح شد جایگاه این شهر در چالش‌های سیاسی و اقتصادی ایران و اعراب از زمان بهرام پنجم تا جنگ ذی قار بوده است. اعراب بیابانگرد برای به دست آوردن امکانات و منابع مالی مرزهای ایران را از دیرباز مورد هجوم قرار می‌دادند، در همجواری حیره با حکام عربی و حکومت ساسانی روابط بیشتر بر مناسبات سیاسی استوار بود از ابتدای شکل‌گیری حکومت ساسانی اردشیر بابکان به دنبال تسلط بر مناطق عرب نشین بود برای همین در ابتدای کار بحرین را به قلمرو خود اضافه کرد و به مرور به سواحل خلیج فارس مسلط شد. جانشینان او هم در تلاش بودند تا ادامه راه اردشیر بابکان را در مورد مرزهای مناطق عربی پیش ببرند. طوایف عربی که مستقیم با حکومت ساسانی در ارتباط نبودند شامل گروه‌هایی می‌شدند که دسته‌هایی از آن‌ها در امور بازرگانی و حتی کشاورزی فعالیت می‌کردند و تعدادی از این طوایف مشغول غارتگری در مناطق متمدن مرزی قلمرو ساسانی بودند با توجه به مواردی که گفته شد و در متن پژوهش به آن اشاره شد ساسانیان از حکومت حیره برای دفع حملات غارتگرانه کنترل قبایل یاغی استفاده می‌کردند. ولی نقش حیره در امور تجاری هم دارای اهمیت بالایی بود یکی از مسیرهای پرتردد بازرگانی از شهر حیره می‌گذشت

بنابراین ارتباط تجاری ساسانیان با دیگر قبایل عرب از طریق حکومت حیره کاملاً منطقی و مهم محسوب می‌شد، نقش این حکومت در تغییرات داخلی ساسانی هم بارها مشهود است، مهم‌ترین نقش را می‌توان در به قدرت رساندن بهرام گور مشاهده کرد که تمام منابع به نقش حکومت حیره در پرورش این شاهزاده و به قدرت رساندن آن اشاره کرده‌اند در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که وجود این حکومت کوچک عربی در منطقه مرزی برای ساسانیان به عنوان یکی از محورهای مقاومتی در برابر یورش خارجی قبایل عرب و حتی اختلافات داخلی همواره مهم بوده است با حذف قدرت حیره ساسانیان در واقع یکی از بازوهای محافظتی خود را در مناطق مرزی قطع کردند که تأثیر آن در بستر زمان با سقوط ساسانیان قابل ردیابی است.

### منابع

- آذر نوش، مسعود. (۱۳۷۴). نگاهی دیگر به شاپور دوم، اردشیر دوم، شاپور سوم، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ۱۰(۱)، ۳۳-۴۱.
- احمد العلی، صالح. (۱۳۸۴). *مهاجرت قبایل در صدر اسلام*، ترجمه هادی انصاری، انتشارات سمت.
- براقی، سید حسین. (۱۹۸۷). *تاریخ الکوفه*، بیروت، دارالاضراء.
- ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد. (۱۳۷۲). *شاهنامه کهن*، پارسی غزر الاسیر، ترجمه سید محمد روحانی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- جلیلیان، شهرام، جرفی، مصطفی، سنجریبور، ریحان. (۱۳۹۰). ساسانیان و یهودیان، *مجله سیستان*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۹(۳): ۲۹-۴۴.
- حتی، فیلیپ. (۱۳۶۶). *تاریخ عرب*، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر آگاه.
- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۷۱). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- سالم، عبدالعزیز. (۱۳۸۳). *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمه باقر صدری‌نیا، تهران، شرکت علمی فرهنگی.
- شهبازی، علیرضا. (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان*، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب *طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۲). *تاریخ طبری یا تاریخ الرمل الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). *شاهنامه فردوسی*، ج ۷، ۱۳۷۴ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- فیاض، علی اکبر. (۱۳۵۰). *تاریخ اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- کریستین سن، آرتور امانوئل. (۱۳۷۴). **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب
- کلنسیکف، آ. ای. (۱۳۸۹). **ایران در آستانه سقوط ساسانیان**، ترجمه محمد رفیق یحیایی، تهران، کند و کاو.
- گیون، ادوارد. (۱۳۴۷). **انحطاط و سقوط امپراتوری روم**. ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات فرانکلین
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن. (۱۳۶۱). **التقاسیم فی محرم الاقالیم**، ج ۲، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- مسعودی، علی بن حسن. (۱۳۸۲). **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- محمدی ملایری، محمد. (۱۳۸۰). **تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی**، ج ۴، ۱۳۸۰ تهران، انتشارات توس
- محمدی فر، یعقوب، خونانی، علیرضا. (۱۳۹۲). **فارس و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی**، ۱۳۹۲، بی جا، مطالعات فرهنگی (۱۶).
- مرادیان، خدا مراد. (۱۳۵۵). **کشور حیره**، بی جا، بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- وثوقی، محمد باقر. (۱۳۸۴). **تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار آن**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- ونیستر، آنکلبرت و نباته دیگناس. (۱۳۸۶). **روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی**، ترجمه کیکاووس جهانداری، ۱۳۸۶، تهران، نشر پژوهش فرزانه روز.
- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۶۹). **تجارب الامم**، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۴). **تاریخ تمدن ایران ساسانی**، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران، اساطیر.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۷۸). **تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان**، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.